

[Afghanistan Digital Library](#)

adl0784

<http://hdl.handle.net/2333.1/kh18937p>

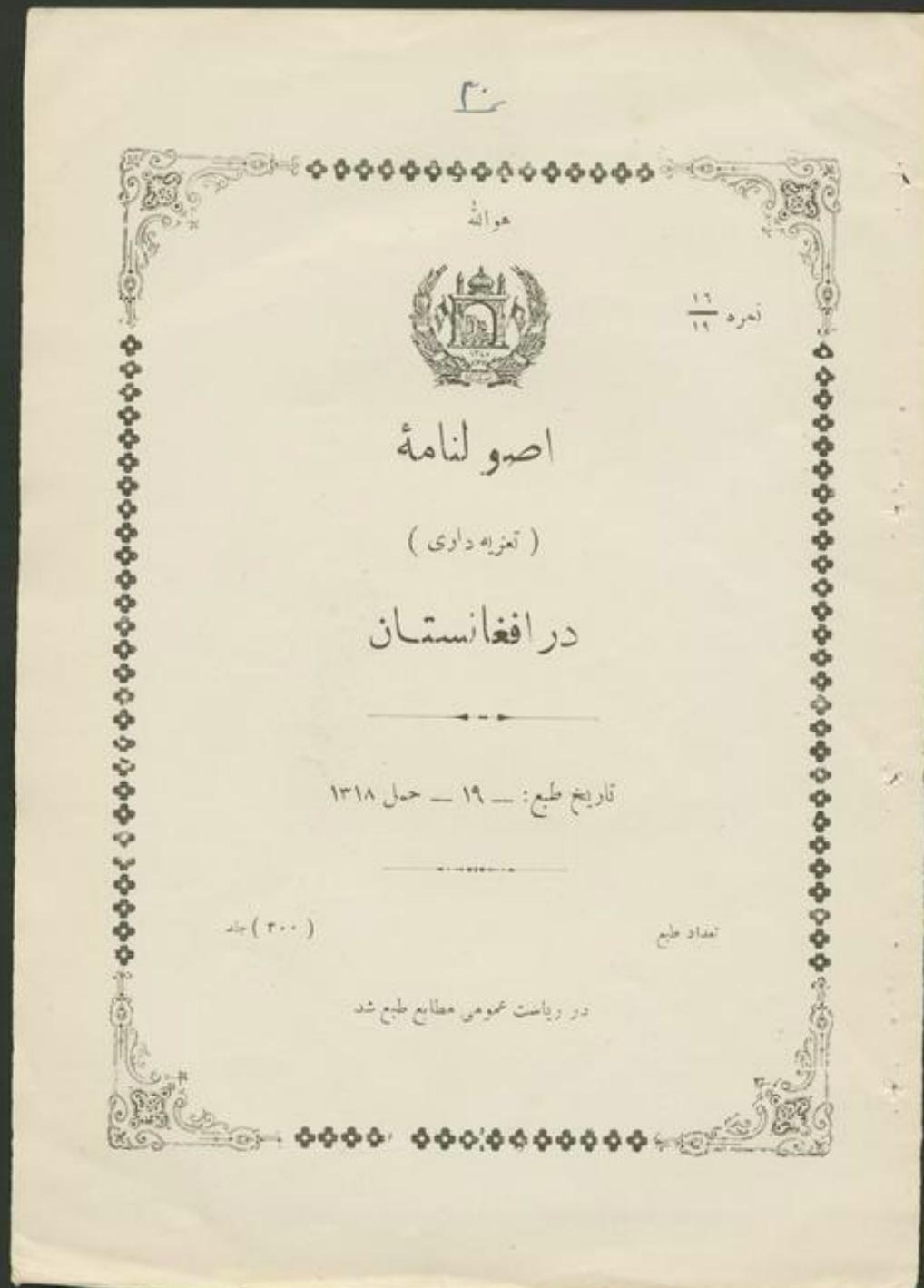


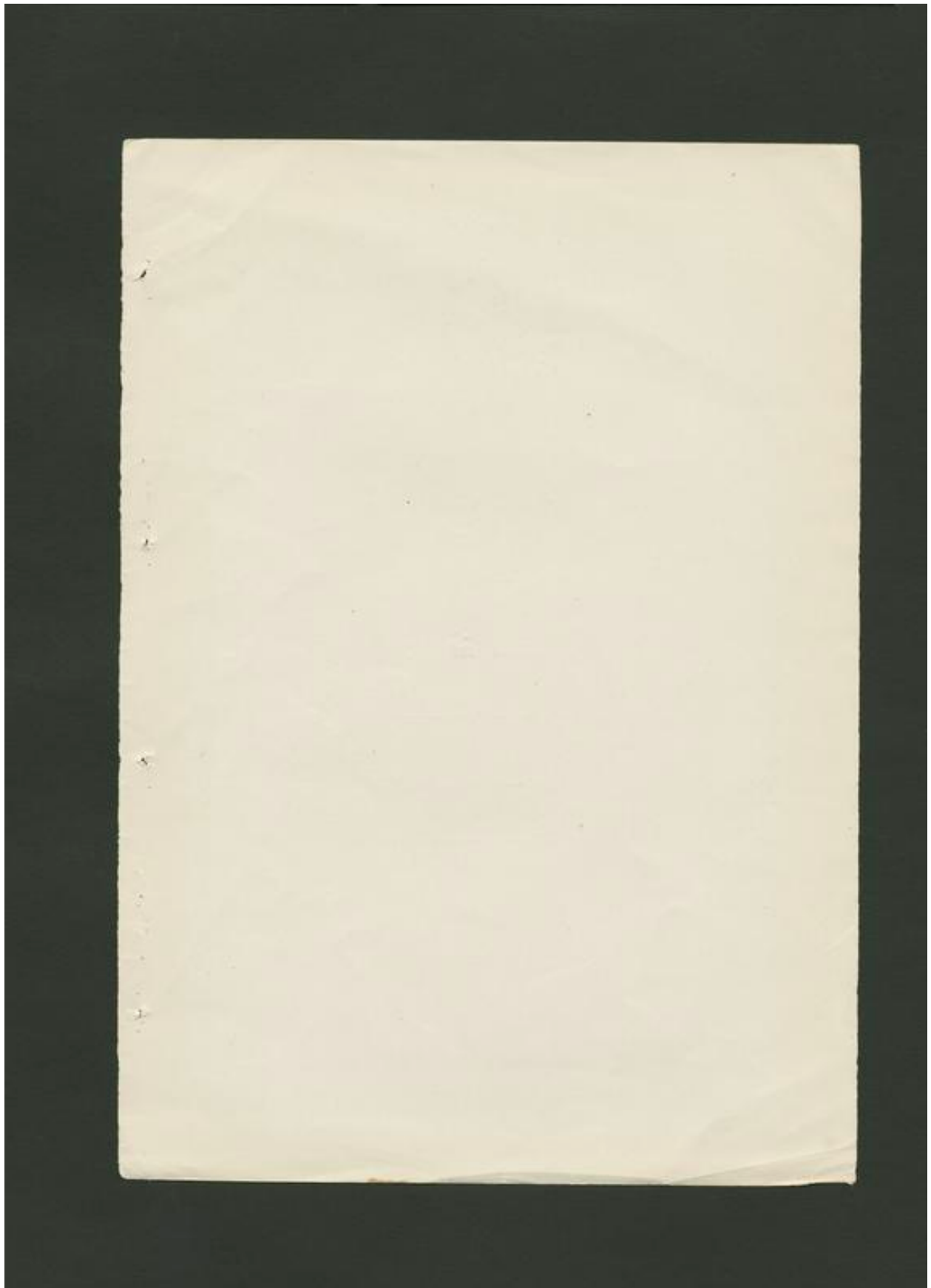
This is a PDF version of an item in New York University's Afghanistan Digital Library (<http://afghanistandl.nyu.edu/>). For more information about this item, copy and paste the "handle" URL above into a web browser.

When referring to or citing this item please use the "handle" URL and not this document or the URL from which you downloaded it.

All works presented on New York University's Afghanistan Digital Library website are, unless otherwise indicated, in the public domain. The images available on this website may be freely reproduced, distributed and transmitted by anyone for any purpose, commercial or non-commercial.

NYU Libraries, Digital Library Technical Services, dlts@nyu.edu







بسم الله الرحمن الرحيم

اصولنامه مراسم تعزیه داری (دتعزیه داری ددو د اصولنامه)

(تمهید)

هرگاه شخصی در يك خانه وفات كند البته شرعاً و اصطلاحاً اقارب و همسایه آن خانواده برای اقامه مراسم تعزیه بخانه تعزیه داری اجتماع میکنند.

تبصره:

تعزیه عبارت است از دعا کردن متوفی و دلجوئی و اظهار همدردی به تعزیه داری. مدت تعزیه شرعاً سه روز است مگر اینکه یکی از اقارب و متسویین متوفی غائب بوده و یا تعزیه کنندگان حضور نداشته باشند و یا حاضر بوده و فوت متوفی خبر

(تمهید)

كه چیری خوك به بوه كور كین مړه سی نو شرعاً او اصطلاحاً خیلوان او همسایه دهغه كورنۍ له یاره دفاتحی وړ كولو د كېل دخاوند (تعزیه داری) پكور كین ټولېږي.

تبصره:

كېله (تعزیه) عبارت دی له دعا كولو و مړۍ ته او د زړه ډاډوړ كولو د كېل دخاوند (تعزیه داری) ته. مدت د كېل شرعاً درې رولخی ده مگر داچه بوله خیلوان او متسویینو څخه د مړۍ غائب وي او یا تعزیه كوونكي حاضر نوي او یا حاضر وي او په مرگ د مړه نوي خبر سوي په هغه سورت

یا	نشده باشد در آن صورت بعد از سه روز	پس از دو روز و آخر هفته را داده بیا بیا	
و ش	بیز جائز است تکرار تعزیه مکروه است	تعزیه مکرر و ده	
ا	تبصره :	تبصره :	
از	مقصد از تکرار تعزیه آن است که بکمراتبه	مقصد از بیا بیا تعزیه دادی چه بپوار ورنه	
اس	برای ورثه فاقحه خوانده شود و باز	ته فاقحه در کوه سی او بیا به بله روح	
	بر روز دیگر همان شخص برای همان	هفته سوزی هفته ورنه ته فاقحه در کوه لکه چه	
افا	ورثه فاقحه بخواند چنانچه رسم است	دود دی چه به دری سرو رو جو کبش هر	
دخا	که در سه روز هر شخص بومیه بفاقحه میرود و این	و رنج فاقحه ته خن دا بیا بیا (تکرار)	
خال	تکرار ممنوع شرعی است .	شرعی منع دی .	
که	۲ - تعزیه بشام اقارب متوفی از سفیر و کبیر	تعزیه به تولو خیل و او دم دی له سفیر و کبیر	
از	و اناث و ذکور مستحب است با استثنای	له از و ترینگو مستحب دی به استثنای دخوانی	
آنها	زن جوان که سوا ی محرم شرعی به	بنیخی چه بیل محرم خنخه دال چاو فاقحه ته	
م	تعزیه دیگری مجاز نیست .	مجازه آده .	
روز	تبصره :	تبصره :	
و م	زن جوان که برای او تعزیه متوفی میشود	خوانی بنیخی ته چه فاقحه در کوه کبزی بیل	
ج	محرم شرعی دیگر مرد به تعزیه او	محرم شرعی خنخه دال سری نسی ورنای	
دیر	رفته نمیتواند و نیز زن جوان برای فاقحه	او هم بخواند بنیخی دال فاقحه له بار	
که	دیگری نزد مرد نامحرم رفته نمیتواند .	و نا محرم ته ورنای نسی	
خا	۳ - شب گذشتادن بخانه تعزیه دار ممنوع است	دشپی نیرول دتعزیه دار به کور کبش منع ده	
در			

با ستنای ا قارب که ناسه روز
و شب توقف کرده میتواند طعام خورا که
ا گر از خانه اقارب یا همسایه تعزیه دار
از پول شخصی آنها تدارک شود بهتر
است تا تکلیفی بر تعزیه دار نباشد.

تبصره:

تبصره:

اقارب عبارت است از پدر، مادر، پسر،
دختر، زن، شوهر، در حال غیاب آنها عم،
خالو، غمه که شرعاً ولی و وارث متوفی
گفته میشوند و کذا عمه، خاله، خواهر،
ایاله، عروس، داماد، پسران و دختران
آنها.

۵: - طبخ طعام و تهیه چای و غیره در سه
روز فائحه بخانه متوفی ممنوع است
و همچنان بردن طعام بالای مقبره و طعام
جمعه گئی و روز چهارم و عید ی
ویرانی و سالانه و سایر رسومات سیالاری
که مروج است، چون اکثریه از زیار کاری
خالی دیده نمی شود ممنوع است خصوصاً
در سور تیکه بعضی ورثه متوفی صغیر

دو روزی بخول او دچا بویشارولد مری پکور کس
د دریمی پوری منع دی او همدار لکی درووی
ورل وادیری ته او د جمعه گئی او خلوبیتی
ا و دختر او برانی او د کال دودی
او نور دود و باید چه مروج دی له یاره
ددی چه اکثریه له زیار کاری (رورائی)
شخه خالی ندی ممنوع دی خصوصاً به هغه
صورت چه بعضی ورثه دمیری صغیر (کوشنی)

یا غائب باشد و حصص آنها صرف کرد .
 شود طعام قطعاً حرام است .
 یا غائب و بی ازدادی برخه خر خسته
 بی قطعاً حرام دی .

تبصره :

تبصره :

خبر آنکه بطور سیال داری بوده
 محضاً باشد در هر وقت جائز
 و اولی است .
 ۵ :- گریبان یارم کردن و رو خراشیدن و توجیه
 سرائی در نزع به شرعاً حرام و ممنوع است .
 خبر آن چه به قسم سیال داری نوی
 او محضاً لله و بی به هر وقت کسی را و ا
 اولیه دی
 دگر یوان خبرل او منع به مکولوشکول او
 و بر به نزع به کسی حرام او ممنوع دی

(د تجهیز و تکفین صورت)

(صورت تجهیز و تکفین)

۶ :- مصارف تجهیز و تکفین شرعاً از مال
 متروکه متوفی کرده شود و کفن آن از بارچه
 پاک نغی باشد اگر سفید بود بهتر والا سیاه
 نیز جائز است .
 مصارف د تجهیز و تکفین او تدفین شرعاً دمری
 له متر و که ما له خفه کیزی او کفن نمی له نغی
 پاک فکر مخفه و کی سپین ری بنه دی که نور وی
 هم و ا دی

۷ :- انداختن اجناس اربشی بجهانزه میت ممنوع
 است .
 دور بنهین ~~تکفیر~~ چول بر جنازه ممنوع
 دی

۸ :- اجناسیکه در بعضی نقاط بطور سیال داری
 و ربا از طرف اقارب متوفی بالای جنازه میت
 انداخته میشود و یا برمدفن میت برده شده
 و بعد از دفن در بین فقرا و مساکین تقسیم
 هغه اجناس چه به بعضی لحاظ بو کسی به
 سیال داری او روزائی به می اچول کیزی
 او یا ا دیری ته وول کیزی او پس له بنخیدو
 دمی فقر او مساکینو ته ویشل کیزی قطعاً

میشود قطعاً ممنوع است .

ممنوع دی .

۹. اگر متوفی وصیت فدیه نیاز و روزمه و باقی کفارات شرعیه را تموم نکرده باشد در صورتیکه مال متروک او اضافه از حقوق عباد باشد ثلث آن بی اجازه ورثه و اضافه آن بشرط اجازه ورثه کبار از حصص خود آنها بقرار امر شرعی بقدریکه وصیت کرده باشد داده شود . اسقاط شرعی عبارت از همین فدیه واجبه است . ردولی و وصی لازم است که مطابق اصول شرعیه و وصیت نامه میت و چه فدیه را اولاً بقضای ضعیف و معذور که قادر بکسب نباشد و سپس بقضای سالم الاغضاء تقسیم نمایند .

که میره دنیا بخواهد او روزی فدیه او نور شرعی گفتار او وصیت کردی وی به هفت صورت چه متروکه دعای دده زیاد له حفرق المعباد خجده وی دریمه برخه می بیله اجازی دور می خجده او زیاد له هغو نه به اجازه دلو بر ورثه و ددوی دخیلو له بر خوخنمی به قرار داسر شرعی به هغه الذازمه چه می و وصیت کردی وی و کره دی سی . شرعی اسقاط عبارت له دغه واجبه فدیه خجده دی ردولی او وصی لازم دی چه سه له اصول شرعیه او وصیت نامی سره فدیه و چه اول ضعیف او معذور و فقیرا او نه چه به کسب قادر لوی او بیا به نور وجود و فقیرا او دویشتی

(تبصره :)

(تبصره :)

فدیه شرعیه در عوض هر نیاز و روزمه و سوگند مقدار سه یا و سه و نیم خورد گندم یا قیمت آن است .
۱۰. کذا شتن قرآن شریف در جمله اسقاط لازم نیست زیرا که دوره دادن قرآن

شرعی فدیه به عوس دهر نما بخواهد او روزی او لوری (سوگند) مقدار ددوی یا او ددی لیم خورده غنم یا قیمت می دی .
دفر آن شریف اینو دل به جمله داسقاط کسبی لازم ندی بلکه چه کر زول دفر آن

عظیم الشان در بین جمعیت و گشتا بدست
آن از طرف قایمان برای فروش در بازار
بی حرمتی است.

۱۱- در صورتیکه متوفی وصیت قدیمه نه از روز
و غیره کفارات شرعیه را نکرده باشد ادا
قدیمه و دور اسقاط لازم نیست هرگاه مورثه
کبار متوفی از حصص خودها نادیده میکردند
بترعاً بهتر است.

۱۲- اگر تعزیه دار و اقارب و همسایه و متسویین
متوفی خلاف مقررات این اصولنامه رفتار
نمایند تعزیر میشوند.

۱۳- به تعقیب و مراقبت مواد اصولنامه هذا
در مراکز رؤسای بلدی و مامورین محلی بلدی
و در محلات حکام محلی و علاقه داران و صاحب
برسوخان فریه مسئول و مکلف هستند
استخاضیکه خلاف ورزی نمایند از مراجع
فوق تحقیق و از طرف قضاة ابتدائیه منسوبه
تعزیر میشوند.

ادخال اصولنامه هذا را درجله اصولنامه

عظیم الشان به منبج دخلقو او کوز ولئی
د قاجانو له خواجه نه به بازار کس له یاره
د خولوسی حرمتی ده

که چیری میده د نابلخه او روزی او نور
شرعی کفارتو د قدیمی و صیت نوی کری -
ور کول د قدیمی او کوزول د اسقاط لازم ای
که چیری لویه (کیر) ورکه دمی له خیلو
بروخه نی ور کوی دقاری خلاص نوپ له
یاره نه ده که تعزیه دار او خیلوان او همسایه
او متسویین دمی خلاف له مقرراتو دی
اصولنامی رفتارو کی تعزیر بی -

به کته او پالنه دموادودی اصولنامی به
مرکز کس رئیسان او محلی مامورین د بلدی
او په محلاتو کس محلی حکام او علاقه داران
او خانودان د اختیار د کل مسئول و مکلف دی
خو که چه خلاف ورزی وکی له پورته مراجعو
خو که تحقیق او ا. ا. ابتدا ای متسوی به
قاضیا نوله خواه خو که تعزیر بی -

ادخال ددی اصولنامی به جمله

۷

های مملکت و امر اجرای آن را اراده داسور واسو لشاهو مکنی دولت
میرمانیم مورخه ۲۶ حمل ۱۳۱۳ او به اجرائی اراده فرمایم ۲۶ حمل
۳۰ ذی الحجه ۱۳۵۲ ۱۳۰ ذی الحجه ۱۳۵۲





